

Sociology of Iranian criminology with emphasis on evidence

Hamid Farokhi¹
Shahram Mohamadi²
Mohammad Javad Jafari³

Received Date: 30 Jan 2022
Reception Date: 13 Apr 2022

Abstract

Criminal policy is one of the most important branches of criminal science, which has been the subject of important debates. The definition of criminal policy and the ideologies that govern it have undergone fundamental changes over time, and in each period a more complete and comprehensive definition than the previous definitions has been provided by prominent scientists in this field. We have sworn oaths, etc. In this article, which has been done in a descriptive-analytical method using the library method, while examining the concepts of criminal policy and evidence of crime, the performance of Iran's criminal policy in evidence of crime is examined. has taken.

Keywords: Criminal Policy, Evidence of Crime, Iranian Legislator, Criminal Science

¹. PhD Student, Crminal Law and Criminology, ,
University of kurdistan, Iran Department of Criminal and Criminology, Kermanshah
Science and research Branch, Islamic Azadn University, Kermanshah, Iran.

². Assistant Professor of Law, University of
,kurdistan ,Iran (Corresponding Author) sh.mohammadi@uok.ac.ir

³. Assistand Professor, Law, Islamic Azad University, Kermanshah Branch, Kermanshah,
Iran.

جامعه‌شناسی کیفرشناسی ایران با تاکید بر ادله اثبات جرم

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱/۲۴

حمید فرخی^۱شهرام محمدی^۲محمدجواد جعفری^۳**چکیده**

سیاست جنایی یکی از مهم‌ترین شاخه‌های علوم جنایی است، که بحث‌های مهمی را به خود اختصاص داده است. تعریف سیاست جنایی و ایدئولوژی‌های حاکم بر آن با گذر زمان دست‌خوش تغییرات اساسی و بنیادینی گردیده است و در هر دوره تعریفی کامل و جامع‌تر نسبت به تعاریف قبلی توسط دانشمندان مطرح علوم جنایی ارائه شده است. در این مقاله به بررسی ادله اثبات جرم از جمله اقرار سهادت قسامه سوگند و غیره پرداخته ایم. دیدگاه قانونگذار در این خصوص با کمک گرفتن از شرع مقدس و دیدگاهی اسلامی سیاست جنایی تقنینی خود را در نظر گرفته است و در راستای این امر قدم برداشته است. در این مقاله که به روش تفسیری- کیفی و با استفاده از روش کتابخانه‌ای انجام گرفته است، ضمن بررسی

۱. دانشجوی دکتری، حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران گروه جزا و جرم‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه- ایران.

۲. استادیار، گروه حقوق، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران (نویسنده مسئول)
sh.mohammadi@uok.ac.ir

۳. استادیار، حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرمانشاه، کرمانشاه، ایران

مفاهیم سیاست جنایی و ادله اثبات جرم، عملکرد سیاست جنایی ایران در ادله اثبات جرم مورد بررسی قرار گرفته است.

کلمات کلیدی: سیاست جنایی، ادله اثبات جرم، قانونگذار ایران، علوم جنایی

مقدمه و بیان مسئله

علوم جنایی به علمی اطلاق می‌گردد، که موضوع اصلی آن‌ها جرم می‌باشد، اگرچه در علوم جنایی به‌طور کلی چند موضوع مانند جرم، مجرم، بزه‌دیده و محیط از جهات مختلف مورد بررسی قرار می‌گیرند. لکن تمرکز اصلی در این علوم بر روی پدیده جرم و بزه می‌باشد اما برای انتساب یک جرم به فرد نیاز به یکسری از ادله است که از آن بعنوان ادله اثبات جرم نام برده میشود. علوم جنایی شامل خیلی از زیر مجموعه‌ها می‌گردد که باتوجه به موضوع این مقاله ادله اثبات جرم در سیاست جنایی ایران مورد کنکاش قرار می‌گیرد.

- سیاست جنایی

ریشه و اساس سیاست جنایی را در هر کشوری می‌بایست در چرخه جنایی آن کشور جست‌وجو کرد، به‌این شرح که چرخه جنایی در همه جوامع بشری از دیرباز تاکنون از سه مرحله تشکیل شده است؛ مرحله اول وضع قوانین و مقررات می‌باشد، که جامعه و مدیران و تصمیم‌گیران آن با ارزش‌گذاری برخی اعمال و برداشتن ارزش از برخی اعمال دیگر، روی به تبیین جرائم می‌آورند و فعل و ترک فعلی را که افراد جامعه می‌بایست از آن اجتناب کنند، مشخص می‌سازند. (ارزش‌گذاری تقنینی و کیفری). در مرحله بعد عده‌ای از افراد جامعه با نقض قوانین مطروحه در مرحله اول و تعدی به ارزش‌های مورد قبول جامعه گام بلندی را در ارتکاب عمل مجرمانه بر می‌دارند و مرتکب جرم کیفری می‌شوند. (۱) سیاست جنایی عبارت از استراتژی یا خط مشی است که جامعه و دولت به همراه هم در مقابل پدیده مجرمانه اتخاذکند. بنابراین دو دیدگاه در سیاست جنایی ترسیم شده یک نگاه اینکه جرم یک پدیده است که ابعاد مختلف دارد یعنی برآیند عوامل متعددی است که در یک جامعه به وجود می‌آید. (۲) پدیده مجرمانه نیاز به مطالعه علمی دارد و در نتیجه می‌بایستی بسیاری از علوم درگیر این پدیده اجتماعی باشند لذا نیاز به یک سیاست جنایی دارد علت هم که می‌گوییم جنایی یعنی یک پدیده جنایی را در نظر می‌گیریم و در مقابل آن یک سیاستی را ترسیم می‌کنیم سیاست جنایی در مرحله تقنینی یعنی قوانینی که تصویب می‌شود نشان‌دهنده آن سیاست است و برای اینکه سیاست جنایی تقنینی را متوجه بشویم بایستی به مشروح مذاکرات

مجلس مراجعه کنیم. گاهی سیاست جنایی تقنینی سرکوبگرانه است و برای پدیده مجرمانه، مجازات تعیین می‌کند، گاهی سیاست جنایی تقنینی، پیشگیرانه است. بنابراین می‌گذارد که پیشگیری را به عنوان سیاست اول و سرکوب را در مرحله دوم در نظر بگیرد و تقدم و تاخر و اولویت سرکوب و پیشگیری نشان‌دهنده سیاست جنایی تقنینی خاص است.

سیاست جنایی اولین بار توسط آقای آنسلم فون فوئرباخدر کتاب حقوق کیفری‌اش در سال ۱۸۰۳ مطرح شد. وی سیاست جنایی را به این شرح تعریف کرد: «مجموعه شیوه‌های سرکوب‌گرانه‌ای که دولت با استفاده از آن علیه جرم واکنش می‌دهد» (۳) با توجه به تعریف فون فوئر باخ به نظر می‌رسد؛ اولاً وی عمدتاً وسائل قهرآمیز و تبلیغی را ابزار سیاست جنایی می‌دانسته (پیشگیری کیفری) و قائل به پیشگیری غیرکیفری نبوده است و ثانیاً وی تنها، کارکرد شیوه‌های سرکوب‌گرانه را برای پیشگیری از جرم مؤثر می‌دانسته است و به بحث انحراف اجتماعی توجهی نداشته است و ثالثاً مجری سیاست جنایی را تنها دولت (جنبه رسمی و عمومی) دانسته و بحثی از جامعه مدنی و نقش آن در جلوگیری از ارتکاب جرم و بزه نکرده است سیاست جنایی تقنینی بایستی توسط قضات اجرا شود پس بایستی فضایی را ایجاد کنیم که قاضی در زمان تطبیق موضوع با حکم آن، سیاست جنایی تقنینی را متوجه بشود. بر فرض مثال قاضی برای تطبیق موضوع با حکم، بایستی از یک استراتژی و خط مشی‌ای برخوردار باشد و لذا در مرحله قضا هم بایستی یک سیاست جنایی داشته باشیم (مجموعه آرای قضایی و رویه قضایی یک کشور مبین سیاست قضایی آن کشور است). استحکام، استناد، استدلال آرا و اینکه به طور کلی با استانداردهای بین‌المللی تطبیق داشته باشد نشان می‌دهد که سیاست جنایی قضایی در این کشور وجود دارد و بالعکس مدل سیاست جنایی ایران (اسلامی) را می‌توان یک مدل مشارکتی مردمی- دولتی و در عین حال درونی- بیرونی دانست، که قابل تطبیق تام بر هیچ‌یک از مدل‌های معمول دولتی و جامعه‌ای نمی‌باشد و می‌توان آن را یک مدل منحصر به فرد خواند، که ویژگی‌های خاصش آن را در قالب‌های مصطلح سیاست جنایی قابل تعریف نمی‌نماید. سیاست جنایی در ایران با توجه به مجموعه ویژگی‌هایش یک نظام و سیستم خاص را تشکیل می‌دهد. (۴)

-سیاستهای جنایی ادله یا فردی کردن دلیل

اصطلاح سیاستهای جنایی غالباً در علوم جرم‌شناسی به عنوان دانش مطالعه ماهیت، گستره، علت و کنترل رفتار کیفری (۵) طرح شده است؛ ولی درباره دلیل و سیاستهای اثباتی تاکنون نه در خصوص سیاستهای افتراقی موجود در سیاستهای اثباتی نظام حقوق کیفری اسلام، بلکه در هیچ نظام حقوقی نظریه‌ای تحلیلی ارائه نشده است. با این حال، نگارنده در این نوشتار میکوشد این امر را در نظام حقوق کیفری اسلام استنباط نماید و تحلیل کند بر این اساس، مقصود از سیاست های افتراقی نظام ادله در حقوق کیفری اسلام عبارت است از: راهبردها و سیاستهایی که در مورد ادله اثبات جرایم گوناگون به وسیله مقنن مد نظر قرار می‌گردد تا نه فقط براساس شدت جرم، بلکه بر اساس همه متغیر های لازم مهم از جمله تأثیر نوع جرم که رخ داده است همچنین قرارگرفتن جرم در کدام درجه بودن از کتاب قانون مجازات اسلامی مشخص می‌گردد. توضیح اینکه فردی بودن یا حتی فردی کردن هم به شکل قضایی آن هم به شکل کیفری آن در سیاست کیفری و کیفرانگاری کاملاً شناخته شده و مطرح است، در سیاست های اثباتی به شهادت وجدان به طور قطع پرونده‌های بی‌شمار میتواند طرح شود، بلکه شایسته به نظر میرسد که برای قانونگذاری مد نظر قرار گیرد و هراندازه سیاست افتراقی بیشتری مد نظر قرار گیرد و میان جرایم گوناگون افتراقی سیاستگذاری شود و تئوری ادله دقیق تری ارائه شود، شاید بتوان از این حرکت به "فردی کردن ادله" یا «سیاستگذاری افتراقی ادله» یاد کرد؛ هرچند اصل سیاستهای افتراقی غالباً توسط منطق، عقل و اندیشه پذیرفته می‌شود و توجه به موضوعات را دقیق تر میسازد، با این حال مشکلات متعددی نیز در سیاست های افتراقی وجود دارد؛ بنابراین پس از اشاره به برخی مصادقی سیاست های افتراقی در هر محور، به برخی از این مسایل و محدودیت ها اشاره خواهد شد. مصادقی سیاست های افتراقی در تئوری ادله حقوق ایران متناسب با جرایم اقسام متعددی دارد: سیاست های افتراقی متناسب با جرایم در مورد اقرار، سیاستهای افتراقی متناسب با جرایم در مورد شهادت و سیاستهای افتراقی متناسب با جرایم در مورد قسامه که تفصیل آن خواهد آمد (۶)

درباره هریک از این اقسام سیاستهای افتراقی شاهد قیود کمی و کیفی هستیم که خود میتواند اقسام دیگری را نیز طرح کند و مجال تفصیل آن میسر نیست ولی تلاش می‌شود برای هریک از این اقسام در میان اقسام اصلی پیش گفته، به برخی مصادیق فرعی نیز اشاره گردد.

- سیاستهای جنایی متناسب با جرایم ادله

مصادیق سیاست های افتراقی در تئوری ادله حقوق اسلام و ایران، متناسب با جرایم خود دارای اقسام متعددی است: سیاستهای جنایی متناسب با جرایم در مورد اقرار، سیاستهای جنایی متناسب با جرم می در مورد شهادت و سیاستهای جنایی متناسب با جرایم سایر ادله اثبات جرم که تفصیل آن را خواهیم گفت.

- سیاستهای جنایی متناسب با طرفین دلیل و نقش علم قاضی

سیاستهای افتراقی تئوری ادله میتواند معیارهای گوناگونی داشته باشد که به برخ از این معیارها همچون جرم و کیفر اشاره شد و زوایایی از محدودیتها و جوانب هریک طرح گردید. یکی دیگر از معیارهایی که ممکن است برای سیاست جنایی در کنار معیارهای دیگر - مانند جرم و کیفر - یا به شکل مستقل طرح شود، توجه به بزه‌دیده میباشد که ممکن است مد نظر مقنن قرار گیرد و گاهی بر اساس نقش علم قاضی نیز ممکن است مؤثر باشد.

سیاست جنایی متناسب با جرایم درباره اقرار

مصادیق سیاست جنایی در اقرار متناسب با جرایم بسیارند برخی مصادیق آن را به روشنی میتوان در مواد مربوط به دلیل در قانون مجازات اسلامی کنونی ملاحظه کرد؛ برای مثال، در مورد دلیل اقرار چنانکه از برخی مواد استنباط میشود، سیاست جنایی افتراقی مستنبط از سیاستهای اثباتی در حقوق اسلام مبین آن است که اثبات زنا با دلیل اقرار نیازمند چهار مرتبه اقرار است و در واقع با تقیید کمی دلیل درسیاستهای افتراقی در تئوری ادله حقوق اسلام و ایران متناسب با جرایم خاص دارد به خوبی قابل استنباط است. سیاست جنایی ایران در مورد لواط و مساحقه استنباط افتراقی می شود.

این دو جرم در بحث اقرار، نیازمند چهار مرتبه تکرارند. به عبارت دیگر، همان تقیید یکمی دلیل بر سیاست افتراقی است دلیل در سیاست های افتراقی در تئوری ادله حقوق

اسلام و ایران متناسب با جرایم خاص در اینجا نیز عیناً ملاحظه میشود؛ ولی نکته بسیار مهم که سیاست جنایی در قبال این سه جرم (مساحقه، لواط و زنا)، فقط در اقرار دارای رویکرد واحد و یکسان است؛ اما در شهادت، سیاست افتراقی شدت بیشتری می یابد و چنانکه خواهید دید درباره این سه جرم نیز از این منظر مجدداً سیاست افتراقی بیشتری به کار گرفته میشود مقنن ایران در این جرم ها تمایزاتی را در سیاستهای اثباتی خود قائل است. (۷)

سیاست جنایی ایران در مرحله تحقیقات مقدماتی در خصوص ادله اثبات جرم

یکی از حساسترین مراحل تحقیقات مقدماتی، تصمیم گیری راجع به کفایت ادله اثباتی علیه متهم، برای ارسال پرونده به مرحله محاکمه و رسیدگی در دادگاه است. آیین دادرسی کیفری کشورهای مختلف، از دو الگوی متفاوت در این مرحله تبعیت میکند. در الگوی نخست که بر آیین دادرسی کیفری ایران نیز حاکم است، پایان مرحله تحقیقات مقدماتی باید با یک اقرار وجدانی کامل همراه باشد. به عبارت دیگر در الگوی ایرانی و سایر الگوهای دارای بازپرس، ضابطه اثبات امر «فراتر از هر شک معقول بر پایان مرحله تحقیقات مقدماتی، حاکم است. هنر یک بازپرس در آن است که از هیچ دلیلی چشم پوشی نکرده و کلیه دلایل به نفع یا به ضرر متهم را جمع آوری نماید. در واقع کار بازپرس باید بی نقص باشد. لحاظ اصولی در الگوی نخست، از آنجا که بازپرس، قاضی به حساب می آید، تصمیم گیری راجع به کفایت ادله اثباتی، منحصرأً مربوط به بازپرس است و تصمیم وی نیز نیازی به تأیید در مرجع دیگری ندارد. به عبارت دیگر، بازپرس در صدور قرار نهایی جلب افراد به محاکمه، مستقلاً عمل کرده و نهاد قضایی ناظر دیگری برای تصمیم گیری در این خصوص وجود ندارد. (۱۳) البته ممکن است امکان اعتراض به آراء بازپرس در این مرحله وجود داشته باشد. در دادرسی کیفری کنونی فرانسه، چنین وضعیتی وجود دارد و تنها، امکان اعتراض به آراء بازپرس نزد شعبه تحقیق وجود دارد (۱۴) این در حالی است که در الگوی دوم، دادستان، صلاحیتی برای تصمیم گیری راجع به کفایت ادله اثباتی نداشته و این مهم در اختیار مقامات قضایی ناظر دیگری قرار دارد.

سیاست جنایی و و حمایت های قضایی از ادله اثبات دعوا

تدابیر حمایتی میتواند با حقوق دفاعی متهم در تعارض باشد، بدین منظور تدابیر حمایتی باید به گونه ای اجرا شود که به حقوق دفاعی متهم خدشه ای وارد نکند و برابری سلاحها تضمین گردد. لذا در عمل باید به گونه ای عمل کرد که حقوق متهم پرسش از شاهد، جرح و تعدیل که با شناسایی شاهد ممکن است تأمین گردد. به همین دلیل، قانونگذار به درستی در آیین نامه اجرایی مربوطه در مقام تعدیل این مهم بوده است. بدین ترتیب در مواردی که رویارویی حضوری بین شاهد و متهم صورت و آل کردن از شاهد برای متهم نمیگیرد، حق آگاهی از اظهارات مطرح شده و متعاقباً محفوظ میباشد. (۱۴) لذا باید به گونه ای اقدام شود که متهم یا وکیل وی بتواند از طریق مقام قضایی از حق خود بهره‌مند گردد. به منظور تضمین حق جرح و تعدیل، مقام قضایی باید تحقیقات کاملی در خصوص شاهد انجام دهد مبنی بر اینکه شرایط قانونی لازم را برای ادای شهادت احراز نماید. لذا پیشنهاد میشود ارائه اظهارات کذب از سوی شاهد در این مرحله جرمانگاری شود. در پایان پیشنهاد میگردد با توجه به ضرورت حقوق متهم، تدابیر حمایتی شرایط زیر را داشته باشد: تدابیر حمایتی زمانی اتخاذ شود که ضروری باشد و متهم یا وکیل او بتوانند صحت اظهارات شهود را بررسی و ارزیابی کنند و شهادت شاهد باید مقرون به قرائن و امارات باشد و آنجایی که موجب تضییع حقوق متهم است حتی‌الامکان با رضایت یا حداقل با اطلاع متهم، تدابیر حمایتی اعمال گردد و گرنه باید توجیه آن ضمن صورتجلسه نوشته شود. برفرض مثال در نظر گرفتن تدابیر حمایتی برای شاهد، موجب پیشداوری دستگاه قضایی در رسیدگی به جرم میشود و به صورت ناخواسته اصل برائت را تحت تأثیر قرار میدهد؛ چون در این موارد، تصور اینکه متهم خطرناک است در ذهن مقام قضایی شکل میگیرد و این تا اندازه زیادی در تصمیمگیری آنها موثر خواهد بود، لذا در نظر داشتن حقوق متهم به منظور تضمین دادرسی منصفانه بیش از پیش ضرورت میباشد. (۱۵) در یک دادرسی منصفانه، متهم از امتیازاتی برخوردار است تا بتواند در مقابل ادعاهایی که برخلاف فرض برائت علیه او مطرح میشود، در شرایط آزاد و

انسانی از خود دفاع کند به همین دلیل، بر اساس تبصره ۲ ماده ۲۱۴ قانون آ.د.ک. ترتیبات باید به نحوی صورت پذیرد که منافی حقوق دفاعی متهم نباشد؛ زیرا حقوق دفاعی در زمره حقوق بنیادین و اساسی است و باید در نزد پلیس و دادرسی رعایت شود از جمله این حقوق بنیادین، اصل برائت است که ریشه در عقلانیت انسان دارد.

سیاست جنایی ایران در دشوارسازی دلیل

در سیاستهای افتراقی متناسب با برخی جرایم با رویکرد بزهپوشی و دشوارسازی ارائه دلیل زوایای دیگری از سیاستهای افتراقی تئوری ادله در حقوق کیفری ایران به شمار می‌آید. (۱۶) بدین ترتیب شاهد آنیم که علاوه بر قاعده منع تحصیل دلیل بطور کلی ممنوعیت تجسس که خود رویکردی کلی برای همه ادله ی و همه جرایم در حقوق کیفری اسلام ملاحظه میشود در جای خود تفصیل آن خواهد آمد، در برخی جرایم مانند زنا، تلاش نه تنها در جهت عدم ارائه دلیل و اثبات است.

سیاست های افتراقی متناسب با برخی جرایم

با رویکرد پذیرش برخی ادعاها بدون نیاز به شاهد و سوگند پذیرش ادعای اشتباه و ناآگاهی بدون نیاز به شاهد و سوگند در جرم زنا و نیز جرم شرب خمر و نیز پذیرش ادعای اکراه زانی یا زانیه نمونه ای از سیاست های افتراقی متناسب با برخی جرایم با رویکرد پذیرش ادعاهای خاصی است که نیاز به شاهد و سوگند ندارد؛ بنابراین به طور قطع میتوان گفت مقنن در سیاست های اثباتی از جهت پذیرش ادعاهای خاص بدون نیاز به شاهد و سوگند نیز در سیاست جنایی سیاست افتراقی را به کار گرفته است؛ زیرا به گونه پذیرش ادعاها هرچند از هر جهت مطلق نیست و چنانچه قرآینی اطمینان آور مبنی بر عدم صحت آنها وجود داشته باشد، مردود میگردند؛ ولی در همین سطح نیز معیار و محور اساسی و عامل افتراقی در سیاستهای اثباتی حقوق اسلام ملاحظه میشود، جرم است، نه کیفر یا دیگر معیارها. (۱۷)

تناسب جرم و دلیل در سیاست افتراقی سیاست جنایی نظام ادله چنان که در سیاست نظام ادله اشاره شد «فردی کردن ادله» یا «سیاستگذاری افتراقی بر محور جرم» قابل تردید

نیست؛ به عبارت دیگر، اغماض از برخی تفاوتها برای پایان دادن به دسته بندی مورد نیاز، قابل رفع نیست؛ هرچند میتوان از میزان جدیت و آسیب ناشی از یکپارچه دلایل در موارد ناهمگون کاست.

نتیجه گیری

در چرخه عدالت کیفری، حمایت از شاهد اهمیت ویژه‌ای دارد تا بتواند وی را به ارائه دقیق وقایع رخ داده ترغیب کند و در مرتب بعد نیز با ارائه شهادت، اجرای قانون تضمین شود وگرنه اگر به هر دلیلی از ادای شهادت خودداری کند، سیستم عدالت کیفری از حیث ادله اثبات جرم دچار بحران میشود

پیشنهاد میشود که قانونگذار ضمن تعریف دقیق ارباب شاهد و ضرورت جرمانگاری افشای غیر مجاز اطلاعات وی، جرایم ارتكابی علیه شاهد را در فصل مشخصی از قانون مجازات اسلامی ساماندهی کند و سیاستی مبتنی بر عدم تساهل نسبت به مرتکبان آن در نظر گیرد. روی دیگر این جنبه از حمایت، مربوط به نحوه رسیدگی است با توجه به اینکه خصیصه اصلی چنین دادرسی به منظور جلوگیری از صرف نظر کردن شهود از شهادت و تبانی متهمان با نامبرده، عنصر سرعت است، لذا دادرسی ویژه شهود باید به نحوی تقنین یابد که با سرعت بیشتری نسبت به سایر پرونده ها انجام گیرد. به همین دلیل پیشنهاد میشود که در این موارد، پرونده رسیدگی مستقیماً به دادگاه ارسال گردد، متهم بدوا بدون احضار جلب گردد، دادگاه خارج از نوبت صورت گیرد و در نهایت، از ضابطان ویژه نسبت به شهود بهره‌گیری شود که تدوین کنندگان آیین نامه اجرایی حمایت از شهود و مطلعان بر آن تا کید نموده اند. قانونگذار بر خلاف جنبه کیفری تدابیر حمایتی، در تدوین سیاستی جنایی نسبت به جنبه کیفری تا اندازه زیادی موفق بوده است.

بنابراین شایسته است، اساتید و علماء حقوق با طرح نکات قوت و ضعف سیاست جنایی اهتمام در کاهش این نقاط ضعف در تقویت این رویکرد و ترغیب مدیران و تصمیم‌گیران سیاست جنایی تلاش کنند. سیاستی که به قطع پس از دوره‌ای آزمون و خطا در غرب از سوی

اساتید و دانشمندان علوم اجتماعی و مدیران و تصمیم‌گیران سیاست جنایی و همچنین شهروندان و افراد جامعه انتخاب و مورد قبول واقع گردیده است. با وجود این باید کاملاً توجه داشت تا از افراط در این زمینه جلوگیری کرد و همچنین از افراط به سمت اسلام محض بدون در نظر گرفتن مقتضیات زمان خودداری گردد همچنین حمایت مطلق از افرادی که در زمینه ادله اثبات جرم همکاری دارند.

کتابنامه

۱. اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، جلد اول، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۰
۲. استفانی، گاستون و دیگران، آیین دادرسی کیفری، مترجم: حسن دادبان، جلد اول، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۹۷
۳. تدین، عباس، «اصل مشروعیت تحصیل دلیل در آیین دادرسی کیفری»، نشر میزان، چ ۱۳۹۷.
۴. آشوری، محمد، اصل برائت و آثار آن در امور کیفری، مجله‌ی دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران شماره‌ی ۱۳۹۲،
۵. آشوری، محمد، آیین دادرسی کیفری، جلد دوم، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۹۷
۶. فتحی، محمدجواد، بررسی تقابل اقرار و علم قاضی در امر کیفری، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۹.
۷. فرقانیها، حسین، علم قاضی از دیدگاه فقه امامیه و حقوق موضوعه، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۸.
۸. قرجه لو، علیرضا، «ادله وقایع پیش زمینه و ادله پیش زمینه در حقوق کیفری ایران و انگلیس»، فصلنامه حقوق (مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران)، دوره ۱۲، پاییز ۳، ش ۳۹
۹. قرجه لو، علیرضا، قرائن و امارات در حقوق کیفری ایران و انگلیس، رساله دکتری حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۶.
۱۰. کریم زاده، احمد، «نظارت انتظامی در نظام قضائی»، موسسه انتشاراتی آیدا (چاپ موسسه چاپ و انتشارات محمدمین)، چ اول، ۱۳۹۶.
۱۱. گلدوست جویباری، رجب، «کلیات آیین دادرسی کیفری»، نشر جنگل، چ سوم، ۱۳۹۱.
۱۲. حیدری، الهام و محمدجواد فتحی، «گستره اصل آزادی تحصیل دلیل در دادرسی کیفری ایران و انگلستان»، مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، دوره ۶، ش ۲، تابستان ۱۳۹۳.
۱۳. حیدری، الهام و محمدجواد فتحی، «مفهوم و مبانی اصل آزادی تحصیل و ارزیابی دلیل در دادرسی کیفری»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۴۳، شماره ۱ بهار ۱۳۹۲.

۱۴. خالقی، علی، «آیین دادرسی کیفری»، نشر شهر دانش، چ چهارم، ۱۳۹۲.
۱۵. خورسندیان، محمدعلی، «بررسی حجیت علم قاضی در فقه و حقوق ایران، بررسی حجیت علم قاضی در فقه و حقوق ایران»، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره ۲۱ ش ۲ تابستان ۱۳۹۴.
۱۶. محمودی جانکی، فیروز، طریقت یا موضوعیت ادله اثبات دعوی در حقوق کیفری ایران و مصر، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه امام صادق(ع)، ۱۳۹۶.
۱۷. ضرابی، غلامرضا، آیین دادرسی کیفری، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۹۵.